

تیتريهای امروز

سيد رسول جزدره نى

كارشناس ارشد برنامه ريزى شهرى و منطقه اى

از خلوت خانه تا پويانى خيابان

در مطالعات كلاسيك جامعه شناسى، اغلب توجه ها معطوف به ساختارهاى كلان، نهادهاى رسمى و رويدادهاى بزرگ سياسى بوده است. اما «روش زندگى روزمره» (Everyday Life Methode) بر اين باور است كه حقيقت يك جامعه نه در بيانه هاى رسمى، بلكه در شكاف هاى كوچك زندگى روزمره، در عادت هاى بى تكلف و در رفتارهاى به ظاهر پيش پاافتاده ي مردم نهفته است. اين روش به آنچه جامعه به اشتباه «ناچيز» مى پندارد، توجه مى كند تا از دل آنها، معناى عميق زيبست جمعى را استخراج كند. امروز حضور شبانه مردم در خيابان ها، نمونه اى بارز از همين پديده ي «جزئيات معتادار» است، پديده اى كه فراتر از يك پديده اجتماعى ساده، نشان دهنده ي باز تعريف مفهوم فضا و هويت و بيانگر يك «گذار تاريخى» در ساختار جامعه ايران است.....

صفحه ۲

رضا معاشرتنى،

ديبر مجمع نظام مسائل استان گيلان



از آتش اختلاف داخلى تا شعله هاى تجاوز خارجى

پيروزى پاىگاه اجتماعى ايران بر پاىگاههاى نظامى آمريكا، درست در برهه اى كه محاسبات نهادهاى اطلاعاتى و امنيتى آمريكا، حاكي از شكندگى اجتماعى و بحران هاى اقتصادى و سياسى در ايران بود، شعله هاى جنگ رمضان زبانه كشيد. اين نبرد با اين پندار باطل آغاز شد كه شهادت رهبر معظم انقلاب و فرماندهان عالي رتبه، شيرازه ي انسجام ملي ايران را از هم مى گسلد و پرواز جنگنده هاى پيشرفته از پاىگاه هاى منطقه اى، رويائى تجزيه ي ايران را تعبير مى كند؛ اما برخلاف پيش بينى دشمنان، اين بحران به بسترى براى بيدارى عمومى و همگرابى بى سابقه ي داخلى بدل گشت....

صفحه ۴

حمدا لى اكوانى؛

دانشيار علوم سياسى دانشگاه ياسوج و عضو شورى علمى
انديشكده حكمرانى و قانون گذارى استان كهگيلويه و بويرا حمد

خيابان به مثابه استراتژى و ناكامى جنگ آمريكايى صهيونيستى عليه ايران

راهبرد آمريكا و رژيم صهيونيستى عليه ايران در حمله نظامى اخير نوعى جنگ تمام عيار تركيبى بوده كه تمرکز اصلى آن بر تقابل نظامى مستقيم و همزمان فشار اجتماعى و تحريك نارضايتى عمومى براى بسيج توده ها عليه نظام سياسى ايران بوده است. هدف تحريم هاى گسترده و بى سابقه عليه مردم ايران، فروپاشى اقتصادى و ايجاد نارضايتى اجتماعى و ازهم گسيختگى روانى مردم و در نهايت بسترى براى ترغيب حركتى جمعى عليه حاكميت بود.....

صفحه ۵

محمد جواد عزيزي،

فعال اجتماعى سياسى

كيمى اى تاب آورى: چگونه از دل تكانه هاى اقتصادى، ارزش و توسعه خلق كنيم؟

تاريخ اقتصاد سياسى نشان مى دهد كه تكانه هاى كلان و بحران هاى سيستماتيك، همواره به معناى انسداد مسير توسعه نيستند؛ بلكه در صورت وجود بستر مناسب، مى توانند به واسطه كيمى تاب آورى و عامليت كار آفرينان، به نقطه عطفي براى بازطراحى ساختارهاى اقتصادى تبديل شوند. اقتصاد جوامع در مواجهه با شرايط بحران، در يك دوراهى استراتژيك قرار مى گيرد: فروپاشى ساختارهاى پيشين يا جهش به سوى تعادل هاى جديد و كارآمدتر؟! در اين ميان، كار آفرينى و مشاركت پيكارچه عمومى به مثابه كيمى تاب آورى عمل كرده و منابع پراكنده را به دارايى هاى مولد تبديل مى كنند. پرسش راهبردى حاضر اين است كه نقش كار آفرينى به عنوان كيمى تاب آورى چگونه با تلفيق سرمايه اجتماعى پيكارچه، همستگى ملي و نوآورى، مى تواند تهديد هاى ساختارى را به موتور محرک توسعه و بازسازى اقتصادى تبديل نمايد؟

صفحه ۶

دكتور ابوالحسن مومن نژاد؛

ديبر انديشكده حكمرانى و قانون گذارى استان كهگيلويه و بويرا حمد

علم و دانش يكى از مهم ترين مولفه هاى قدرت در دنياى امروزي

رهبر شهيد انقلاب (ره) فرمودند:

«ما پيشرفت هاى زيادى داشتيم، نمونه هاى متعددى داشتيم؛ يك قلم، پيشرفت علم است. ما در اين سالهاى بعد از انقلاب، از لحاظ پيشرفت علمى، از همه ي دنيا جلوتر بوديم. اين قضاوت من نيست، قضاوت مراکز بين المللى است؛ يعنى سرعت ما و شتاب پيشرفت علمى ما چندين برابر متوسط جهان است..»

صفحه ۷



حميد رضا مرادى،

مسئول امور كميسيون ها
مجمع مشورتنى نظام
مسائل استان هرمزگان



درخواست آبادى و آزادى تخت جمشيد از اسكندر زمان

آن هاى كه از اسكندر خواستند تخت جمشيد را آباد و آزاد كند. سخنى با آنها كه به وعده هاى ترامپ و نتانياه و دلخوش بودند: دشمنى آمريكا و رژيم صهيونيستى با ايران به پيروزى انقلاب اسلامى و قطع رابطه با اين دو رژيم جنايتكار بر مى گردد. از آنجا كه مردمى انقلابى تحت فرمان ولى فقيه زمان، حضرت امام خمينى (ره)، براى استقلال و آزادى و عدم وابستگى به شرق و غرب، با هدف پياده كردن اسلام ناب محمدى (ص) در كشورى كه متحد اصلى آمريكا و رژيم صهيونيستى بوده، روى كار آمده بود و سياست هاى كاملا متفاوت با رژيم قبلى را دنبال مى نمود، اين دشمنى ها در تجاوز رژيم بعث به ايران و بعد از آن همچنان نيز ادامه داشت. تصويب و اعمال بى رحمانه ترين تحريم هاى اقتصادى براى به زانو در آوردن اين ملت، تا ترور دانشمندان هسته اى..

صفحه ۸

حسين صفر بيگى،

استاد دانشگاه و تحليلگر مسائل اجتماعى



مقاومت. فراتر از جنگ و در دل زيبست ما جارى است و كليد پيروزى در برابر دشمن است

در هنگامى كه جهانيان در كوران تحولات شتابان سياسى، اقتصادى و فرهنگى فرار دارند، مفهوم «مقاومت»، از قيد و بندهاى صرفا نظامى رها شده و به اصلى بنيادين در تار و پود هويت ملت ها تبديل گشته است. ملت ايران، كه در هزاره هاى تاريخ خويش بارها طعم تلخ تجاوز و فشارهاى استعمارى را چشيده، امروز در مواجهه با چالش هاى پيچيده تر اما نه كمتر زبان بار، نيازمند درك عميق تر از چيستى و چرايى «مقاومت» است. چرا كه مقاومت، امروز تنها در سنگر جنگ خلاصه نمى شود، بلكه زيبست ماست، سبك زندگى ما و روح جارى در كالبد جامعه اى ماست....



صفحه ۹

از خلوت خانه تا پویای خیابان: بازخوانی حضور شبانه شهروندان با

تکیه بر رهیافت زندگی روزمره

سید رسول جزدیره‌ئی، کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای



مقدمه

وقتی جزئیات حقیقت را می‌گویند:

در مطالعات کلاسیک جامعه‌شناسی، اغلب توجه‌ها معطوف به ساختارهای کلان، نهادهای رسمی و رویدادهای بزرگ سیاسی بوده است. اما «روش زندگی روزمره» (Everyday Life Methode) برای این باور است که حقیقت یک جامعه نه در بیانیه‌های رسمی، بلکه در شکاف‌های کوچک زندگی روزمره، در عادات‌های بی‌تکلف و در رفتارهای به ظاهر پیش پا افتاده مردم نهفته است. این روش به آنچه جامعه به اشتباه «ناچیز» می‌پندارد، توجه می‌کند تا از دل آنها، معنای عمیق زیست جمعی را استخراج کند. امروز حضور شبانه مردم در خیابان‌ها، نمونه‌ای بارز از همین پدیده‌ی «جزئیات معنادار» است، پدیده‌ای که فراتر از یک پدیده اجتماعی ساده، نشان‌دهنده‌ی باز تعریف مفهوم فضا و هویت و بیانگر یک «گذار تاریخی» در ساختار جامعه ایران است. پدیده‌ای که در سایه‌ی چالش‌های بزرگ جغرافیای سیاسی، از یک «فعالیت اجتماعی» به یک «کنش همبستگی ملی» تبدیل شده است.

الف: بازتعریف فضا، از «شهر ما خانه ما» تا «خانه ما، شهر ما»

سال‌هاست که شعارهای مدیریت

شهری بر محور «شهر ما خانه‌ی ماست» استوار است، شعاری که بر ضرورت محافظت از محیط عمومی برای رسیدن به آرامش خانگی تأکید داشت. اما آنچه امروز در شب‌های شهرهای کشورمان می‌بینیم، دگرگونی محوری در این پارادایم است.

شعار جدید و ناگفته‌ی مردم در این شب‌ها «خانه‌ی ما، شهر ماست» می‌باشد.

این تغییر از «خانه» (نماد منافع فردی، خصوصی و محدود) به «شهر» (نماد منافع جمعی و گسترده)، نشان از یک تحول فکری در شهروند ایرانی دارد. شهروند دیگر برای رسیدن به آرامش، به حصار دیوارها پناه نمی‌برد، بلکه با خروج از خانه، شهر را به کانون زندگی خود تبدیل می‌کند. در این شب‌ها وقتی مادری در میانه‌ی خیابان طفل شیر خوار خود را در آغوش می‌گیرد یا دانش‌آموزی در زیر نور چراغ‌های خیابان به انجام تکالیف درسی خود می‌پردازد، مرز میان «امر خصوصی و امر عمومی» فرو می‌ریزد. در این لحظه خیابان دیگر صرفاً یک گذرگاه یا محل عبور برای جابجائی نیست، بلکه به «فضای زیست» تبدیل شده است. مردم با گسترش فضای

خصوصی خود به فضای عمومی، در واقع در حال «انسانی‌سازی» پیکره‌ی شهر هستند و آن را از یک محیط بی روح و کالائی شده به مکانی انسانی و ملموس تبدیل می‌کنند.

ب: میدان با تو خیابان با ما: پیوند جبهه مقاومت و جبهه داخلی

این حضور شبانه در شرایط کنونی، تنها بازیگری فضا برای یک زندگی روزمره نیست، بلکه معنائی عمیق‌تر و حماسی‌تر یافته است. در حالیکه رزمندگان در میدان با دشمن متجاوز (آمریکائی- صهیونیستی) در نبرد هستند، حضور شبانه و پر جنب و جوش مردم در «خیابان‌ها» در واقعیت زندگی روزمره، نقش «پشتیبان میدان» را ایفاء می‌کند. شعار «میدان با تو خیابان با ما» نقطه‌ای عطف این تحلیل است. این شعار پیوندی ناگسستنی میان جبهه مقاومت و جبهه داخلی برقرار می‌کند. این عبارت از یک شعار سیاسی به یک «فرهنگ زیست» تبدیل شده است، فرهنگی که در آن حضور در خیابان معنائی فراتر از گذران اوقات فراغت پیدا کرده و به نوعی «آمادگی روانی و اجتماعی» برای دفاع از میهن بدل گشته است. قدرت این شعار و فراتر رفتن از لایه‌های سیاسی و ورود به لایه‌های فرهنگی و

ورزشی (مانند بازخوانی حماسی آن توسط کاروان‌های ورزشی در مسیر مسابقات خارجی) نشان می‌دهد که این حس همبستگی، به یک میراث مشترک جمعی تبدیل شده است. این یعنی شهروند با حضور در خیابان، پیامی صریح به دشمن می‌دهد: «میدان جنگ با رزمندگان است، اما پایداری این رزمندگان، در گرو پویائی و حضور بی وقفه ما در خیابان‌هاست».

ب: جامعیت، تنوع و گونه‌گونی افراد حاضر در خیابان

یکی از مصائبی که در دوران معاصر بسیاری از شهرهای کشورهای جهان از آن رنج می‌برند یکنواختی و عدم تنوع و گوناگونی گروه‌ها و افرادی با منزلت‌های اجتماعی متفاوت است. جدائی‌سازی‌های فضائی موجب گردیده که افراد با طبقات اجتماعی متفاوت و حتی گروه‌های سنی مختلف، کمتر فرصت تعاملات اجتماعی با یکدیگر را در عرصه‌های عمومی و فضاهای شهری پیدا کنند. اما یکی از درخشان‌ترین جنبه‌های این حضور شبانه مردم، مشاهده‌ی پدیده‌ای است که در حالت عادی، ساختارهای شهری، زمینه‌های ظهور و بروز آن را فراهم نمی‌کنند. در شرایط عادی، فضای کالبدی شهر



۴. هویت بخشی و ایجاد حس تعلق: انتقال جشن ها و مناسبت های اجتماعی مانند مراسم عقد و جشن روز دختر به خیابان، نشان دهنده تحول نقش خیابان از یک گذرگاه و محل عبور به یک «مقصد و صحنه ای برای تجلی ارزش ها و شادی های هویت بخش جمعی» است.

۵. انسانی سازی و بازپس گیری فضا: گسترش «امر خصوصی» (خانواده، تحصیل، جشن) به «امر عمومی» (خیابان)، نشان دهنده موفقیت شهروندان در بازپس گیری حق زیستن در شهر و تبدیل آن از یک محیط خشک و کالائی شده به یک فضای ملموس و انسانی است.

۶. تبدیل شعار به فرهنگ زیست: تبدیل شدن مفاهیم حماسی به ترانه ها، مداحی ها و حتی بخشی از انرژی ورزشکاران، نشان می دهد که همبستگی ملی از سطح یک «بیانیه سیاسی» فراتر رفته و به یک «هویت فرهنگی- اجتماعی» تبدیل شده است که در تار و پود زندگی روزمره ریشه دوانده است.

۷. تقویت سرمایه اجتماعی: خیابان این شب ها، به یک «مقصد و مکان اجتماعی» تبدیل شده است که از طریق تعاملات روزمره، پیوندهای میان شهروندان را عمیق تر و ارزش های مشترک را پایدارتر و همبستگی و سرمایه اجتماعی را افزون تر می کند.

مشترک، به شکلی طبیعی و بی تکلف، تسهیم می گردد. مردم با حضور در این فضا، از طریق «دید و بازدیدهای روزمره» در حال ساختن یک «ما» هستند. جامعه ای که فرد در آن خود را در میان جمع و در عین حال، در امنیت حضور دیگران باز می یابد.

جمع بندی و نتیجه گیری:

۱. تغییر پارادایم از فردگرایی به جمع گرایی: گذار از از شعار «شهر ما خانه ای ما به خانه ای ما، شهر ماست» نشان دهنده اولویت دادن شهروند ایرانی به منافع عمومی (شهر و وطن) بر منافع فردی (خانه) در این شرایط ویژه است.

۲. تثبیت جبهه داخلی از طریق زندگی روزمره: شعار «میدان با تو خیابان با ما» نشان می دهد که حضور مردم در فضاهای عمومی خود نوعی «کنش پشتیبانی» از رزمندگان است، بطوریکه خیابان به پشتوانه ای روانی میدان تبدیل شده است.

۳. تحقق جامعیت و تنوع گروه های اجتماعی: حضور فعال معلولین و سالمندان در خیابان های شبانه، نشان دهنده این واقعیت است که جامعه ای در حال شکل گیری است که در آن، طیف های متنوعی از طبقات و منزلت های اجتماعی و نیز گروه های سنی گوناگون، خود را در مورد آینده سرزمین شان سهیم، مسئول و مشارکت پذیر می دانند.

خیابان تنها عرصه ای «نیازهای حیاتی» یا «حمایت های حماسی» نیست، بلکه خیابان به عرصه «تجلی ارزش های فرهنگی و شادی های اجتماعی» تبدیل شده است. وقتی خانواده ها مناسبت های خود را مانند «روز دختر» یا حتی مراسم عقد و ازدواج خود، را به خیابان ها می آورند، در واقع در حال یک «اشغال فرهنگی مثبت» هستند. انتقال جشن ها و مراسم های مناسبتی از فضای بسته و خصوصی خانه به پهنه ای باز و عمومی خیابان، نشان دهنده این واقعیت است که شهروندان در حال بازتعریف هویت خود در سطح عمومی هستند. خیابان دیگر برای «گذر یا دفاع» نیست، بلکه مکانی برای «جشن گرفتن زندگی» و تاکید بر ارزش های خانوادگی» است. این حرکت نشان می دهد حیات شهری در این شب ها، دارای لایه های مختلفی است: از لایه های دفاعی و حماسی گرفته تا لایه های زیستی و در نهایت لایه های فرهنگی و اجتماعی.

د: تعمیق پیوندها و تسهیم ارزش ها

در نهایت تمام این ابعاد و لایه ها (دفاع، زندگی، توانمندی، شادی) در یک نقطه به هم می رسند: تعمیق پیوندهای اجتماعی. خیابان در شب به بستری برای تعاملات غیر رسمی تبدیل می شود که در آن، ارزش های

(از نبود رمپ های مناسب گرفته تا نورپردازی های مناسب) باعث می شود که معلولین و سالمندان از حضور در فضاهای عمومی بویژه در شب ها محروم بمانند و از درک فضای زیست شبانه شهرها ناتوان باشند. این انزوای فیزیکی بخشی از واقعیت های تلخ شهرسازی و شهرنشینی معاصر است. اما در این اجتماعات شبانه و در سایه ای این همبستگی حماسی، شاهد برطرف شدن این مرزها و محدودیت ها هستیم. معلولین و سالمندان به رغم تمام محدودیت های کالبدی و دشواری های تردد، از حصار خانه های بیرون آمده اند. آن ها نه تنها در خیابان حضور یافته اند، بلکه پایه پای دیگران، در جریان شعارها و حمایت از رزمندگان مشارکت فعال دارند. وقتی نیاز به همبستگی، محدودیت های کالبدی را نادیده می گیرد، خیابان از یک محیط «بازدارنده و محدودکننده» به محیطی جمعی و توانمندکننده تبدیل می شود. جایی که در آن معلولیت - پیری، مانع مشارکت در تحقق یک جریان بزرگ تاریخ ساز نیست.

ج: خیابان به مثابه صحنه: از دفاع تا تجلی هویت و شادی

یکی از موضوعات حائز اهمیت، توجه به این مهم است که این شب ها

از آتش اختلاف داخلی تا شعله‌های تجاوز خارجی رضا معاشرتی، دبیر مجمع نظام مسائل استان گیلان



پیروزی پایگاه اجتماعی ایران بر پایگاه‌های نظامی آمریکای درست در برهه‌ای که محاسبات نهادهای اطلاعاتی و امنیتی آمریکا، حاکی از شکنندگی اجتماعی و بحران‌های اقتصادی و سیاسی در ایران بود، شعله‌های جنگ رمضان زبانه کشید.

این نبرد با این پندار باطل آغاز شد که شهادت رهبر معظم انقلاب و فرماندهان عالی‌رتبه، شیرازه‌ی انسجام ملی ایران را از هم می‌گسلد و پرواز جنگنده‌های پیشرفته از پایگاه‌های منطقه‌ای، رویای تجزیه‌ی ایران را تعبیر می‌کند؛ اما برخلاف پیش‌بینی دشمنان، این بحران به بستری برای بیداری عمومی و همگرایی بی‌سابقه‌ی داخلی بدل گشت.

جامعه‌ای که سال‌ها آماج حمله‌های رسانه‌ای برای ترویج «خودتحقیری»، انفعال و ایجاد شکاف میان اقشار مختلف بود و مقاومت را ریشه‌ی مشکلات می‌پنداشت، ناگهان در پیوندی تاریخی به اوج همبستگی و همدلی رسید و یک‌صدا، ایستادگی در برابر استکبار جهانی را فریاد زد. اگرچه ایران در این کارزار سرنوشت‌ساز، هزینه‌هایی گزاف پرداخت و داغ جان‌سوز رهبر شهید، دانش‌آموزان مظلوم مینابی و دیگر هم‌وطنان عزیزمان همیشه بر سینه‌ی ملت حک خواهد ماند، اما بازگشت جامعه به هویت اصیل ملی و دینی و درک عمیق واقعیت‌های حاکم بر سیاست و امنیت جهانی را می‌توان از مهم‌ترین دستاوردهای این نبرد برشمرد که به برکت خون پاک این شهدای گرانقدر حاصل شد.

تجربه‌ی تاریخی ثابت کرده است که ملت ایران در مواجهه با تهدید بیگانگان، همواره به سوی اتحاد و انسجام ملی گام برداشته است؛ این رویکرد، فرصتی زرین برای بازسازی پیوند میان دولت و ملت و تثبیت بیش از پیش پایگاه اجتماعی نظام است.

جنگ رمضان بار دیگر به اثبات رساند که ملاک برتری در نبردهای نوین، تنها تجهیزات نظامی و تعداد پایگاه‌های فرامرزی نیست؛ بلکه «میزان پایداری» و «پایگاه اجتماعی» حکومت‌هاست که سرنوشت نهایی جنگ را رقم می‌زند. امروز جهان این حقیقت را پذیرفته است که جنگ رمضان که با هدف نابودی جمهوری اسلامی ایران آغاز شده بود با تولد نسل جدید انقلاب و ظهور سطحی نوین از اقتدار ملی به پایان خواهد رسید.

خیابان به مثابه استراتژی و ناکامی جنگ آمریکایی صهیونیستی علیه ایران

حمداله اکوانی؛ دانشیار علوم سیاسی دانشگاه یاسوج و عضو شورای علمی اندیشگده حکمرانی و قانونگذاری استان کهگیلویه و بویراحمد



گفته بود سه خواسته از مردم دارم: «خیابان، خیابان، خیابان» بازتاب همین درک راهبردی از اهمیت حضور اجتماعی و بسیج مردمی برای بی‌اثر کردن پروژه براندازانه بود.

حضور فزاینده مردم در خیابان از ابتدای جنگ مستقیم آمریکا با ایران باعث شد اقلیت‌های متأثر از رویکردهای غربی و رسانه‌های بیگانه حتی در اوج تبلیغات نیز جرأت حضور علنی نداشته باشند. همین مشارکت گسترده مردمی و حضور مستمر گروه‌های مختلف اجتماعی در خیابان نقشه طراحی‌شده برای بسیج علیه نظام را در نطفه خفه کرد و هم پای حملات بی‌نظیر نیروهای مسلح به دشمن و یکپارچگی ساختار سیاسی با بهره‌گیری از استراتژی بسیج خیابانی، محاسباتی را که آمریکایی‌ها و متحدانشان با وعده‌های نتانیا‌هو به ترامپ در ذهن داشتند، به رویایی دست‌نیافتنی تبدیل ساخت. حملات مستقیم رژیم صهیونیستی و آمریکا به مراکز غیرنظامی و شهادت شهروندان ایرانی، هم نه تنها نتوانست شکافی در جامعه ایجاد کند بلکه احساسات ملی را برانگیخته و موج تازه‌ای از همبستگی عمومی و بسیج خیابانی را رقم زده است.

می‌شود. منظور از چنین مفهومی توانایی ویژه نظام سیاسی در بسیج متقابل مردم و خنثی‌سازی تلاش دشمنان برای سازمان‌دهی اعتراضات ضد نظام سیاسی ایران است. بسیاری از کشورهایی که مخالف هژمونی آمریکا بودند در اثر فقدان چنین ظرفیتی دچار فروپاشی اجتماعی شدند، در مقابل انقلاب اسلامی ایران، که در پنج دهه گذشته تجارب گسترده در مقابله با تلاش‌های آمریکایی‌ها برای بسیج مصنوعی کسب کرده بود، با برخورداری از شبکه‌های گسترده مردمی، پیوندهای عمیق اعتقادی و رهبری منسجم توانست از دل بحران، با انسجام بیشتری بیرون آید. توانایی بسیج و ضد بسیج ساختار سیاسی ایران در ساعات اولیه تهاجم آمریکایی صهیونیستی آشکار شد؛ جایی که مقامات کشور با صراحت از مردم خواستند هوشیار باشند و صحنه را ترک نکنند. سرلشکر مجید موسوی فرمانده قدرتمند نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در همان ساعات اولیه جنگ به مردم اعلام کرد: «خیابان با شما، میدان با ما».

پیام دکتر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی در شبکه ایکس که

همزمان با این عملیات رسانه‌ای، آمریکا کوشید تا تحولات داخلی ایران را به مسئله‌ای بین‌المللی تبدیل کند و از طریق نهادهای جهانی، برفشار سیاسی بر تهران بیفزاید؛ همان شیوه‌ای که در کشورهای متعددی تحت عنوان «انقلاب‌های رنگین» دنبال شد.

در آن کشورها از اعتراضات انتخاباتی یا صنفی تا جنبش‌های دانشجویی به ابزاری برای براندازی بدل شدند، بی‌آنکه لزوماً خواست اولیه معترضان چنین باشد.

در چند ماه گذشته همه این موارد شکست خورد. ترامپ حمله نظامی را مکمل چنین تحولاتی میدانست و تصور میکرد با ترور رهبران سیاسی و نظامی، در زمانی کوتاه بسیج مردمی علیه نظامی سیاسی ایجاد می‌کند و او میتواند به سرعت رهبری برای ایران تعیین و اهداف خود را به پیش ببرد.

اما برخلاف انتظار او، تجربه ایران مسیر متفاوتی را رقم زده و او و تیمش مات و مبهوت شده‌اند. علت اصلی ناکامی این الگو در ایران را باید در پدیده‌ای دانست که از آن با عنوان «بسیج و ضد بسیج» در خیابان یا «خیابان به مثابه استراتژی» یاد

راهبرد آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران در حمله نظامی اخیر نوعی جنگ تمام‌عیار ترکیبی بوده که تمرکز اصلی آن بر تقابل نظامی مستقیم و همزمان فشار اجتماعی و تحریک نارضایتی عمومی برای بسیج توده‌ها علیه نظام سیاسی ایران بوده است.

هدف تحریم‌های گسترده و بی‌سابقه علیه مردم ایران، فروپاشی اقتصادی و ایجاد نارضایتی اجتماعی و ازهم‌گسیختگی روانی مردم و در نهایت بستری برای ترغیب حرکتی جمعی علیه حاکمیت بود. دولت ترامپ با گسترش دامنه تحریم‌ها تلاش کرد از رهگذر فشار اقتصادی، لایه‌های مختلف جامعه را تحریک و بستر لازم را برای اعتراضات خیابانی، شورش و بی‌ثباتی داخلی فراهم کند. در کنار تحریم‌ها، رسانه‌های مرتبط با جریان غربی نقشی تکمیلی ایفا کردند؛ با تولید و بازنشر حجم بزرگی از محتوا در فضای مجازی و رسانه‌ها، تلاش شد تا هر رخداد داخلی در ایران، هر حرکت صنفی یا اعتراضی، به مثابه یک جنبش انقلابی معرفی شود و با پیوند دادن آن به الگوهای پیشین، به عنوان نشانه‌ای از «آغاز تغییر» در ایران بازنمایی گردد.

کیمیای تاب آوری؛ چگونه از دل تکانه‌های اقتصادی، ارزش و توسعه خلق کنیم؟

محمد جواد عزیزی، فعال اجتماعی-سیاسی



می‌نماید. در نهایت دستیابی به تاب‌آوری پایدار در دوران پس از جنگ تحمیلی و بحران، در گرو درک این واقعیت است که اقتصاد، تنها مجموعه‌ای از اعداد و شاخص‌ها نیست، بلکه موجودیتی درهم‌تنیده با ساختارهای اجتماعی است. کیمیای تاب‌آوری، زمانی محقق می‌شود که اراده جمعی و همبستگی ملی، با نوآوری و عمل‌گرایی کارآفرینانه پیوند بخورد. تقویت سرمایه اجتماعی یکپارچه و تسهیل مشارکت عمومی در فرآیندهای اقتصادی، نه تنها مسیر عبور از تکانه‌ها را هموار می‌سازد، بلکه شالوده‌ای مستحکم برای توسعه‌ای پایدار و درون‌زا بنا می‌نهد. کارآفرینی در این گذار، نه تنها یک ابزار اقتصادی، بلکه همان کیمیای تاب‌آوری است که از دل تهدیدها و عدم قطعیت‌ها، ارزش و توسعه پایدار خلق می‌کند.

کارآفرینی در شرایط موجود، از همین بحران‌های اقتصادی و اجتماعی، فرصت‌های خاص و بی‌نظیری همچون حمل و نقل دریایی، توسعه زیرساخت دریایی در مدیریت تنگه هرمز پدید می‌آید، نگاه هوشمندانه و به دور از افراط و تفریط با راهبرد منطق و عقل، استراتژی خاصی را پدید می‌آورد. قطعاً در آینده هوش و نگاه ایران و ایرانی برای استفاده از ظرفیت‌های موجود به برکت خون شهدا را پدید خواهد آورد.

فضا، با بهره‌گیری از فرصت‌های ناشی از خلأهای بازار، نوآوری را جایگزین فرآیندهای فرسوده می‌کنند. این پویایی، نه تنها به ترمیم اقتصاد کمک می‌کند، بلکه نرخ رشد بالقوه سیستم را در بلندمدت ارتقا می‌بخشد. پیامدهای خارجی مثبت و سیگنال رفتاری

در شرایط عدم قطعیت، رفتار بازیگران اقتصادی به شدت تحت تأثیر انتظارات است. ورود جسورانه کارآفرینان به عرصه تولید و ابتکار عمل نیروهای مردمی، یک سیگنال مثبت قدرتمند به بازار مخابره می‌کند. این سیگنال، انتظارات تورمی و رکودی را تعدیل کرده و با ایجاد پیامدهای خارجی مثبت، سایر سرمایه‌گذاران و کنشگران اقتصادی را به مشارکت فعالانه در اقتصاد ترغیب

در کاهش هزینه‌های مبادلاتی ایفا می‌کنند. مشارکت فراگیر آحاد جامعه در فرآیندهای بازسازی اقتصادی و همبستگی ملی، فارغ از هرگونه مرزبندی، به عنوان یک ضربه‌گیر قدرتمند در برابر شوک‌های اقتصادی عمل می‌کند. این حضور منسجم، با تقویت اعتماد عمومی، ریسک سرمایه‌گذاری را کاهش داده و بستری امن برای فعالیت‌های کارآفرینانه فراهم می‌آورد.

کارکرد پارادایم تخریب‌خلاق در بازسازی نهادی بر اساس نظریه تخریب‌خلاق شومپیتر، بحران‌ها با وجود پیامدهای مخرب اولیه، ساختارهای ناکارآمد و تخصیص‌های غیربهبینه منابع را از میان برمی‌دارند. کارآفرینان در این

تاریخ اقتصاد سیاسی نشان می‌دهد که تکانه‌های کلان و بحران‌های سیستماتیک، همواره به معنای انسداد مسیر توسعه نیستند؛ بلکه در صورت وجود بستر مناسب، می‌توانند به واسطه کیمیای تاب‌آوری و عاملیت کارآفرینان، به نقطه عطفی برای بازطراحی ساختارهای اقتصادی تبدیل شوند. اقتصاد جوامع در مواجهه با شرابط بحران، در یک دوراهی استراتژیک قرار می‌گیرد: فروپاشی ساختارهای پیشین یا جهش به سوی تعادل‌های جدید و کارآمدتر؟! در این میان، کارآفرینی و مشارکت یکپارچه عمومی به مثابه کیمیای تاب‌آوری عمل کرده و منابع پراکنده را به دارایی‌های مولد تبدیل می‌کنند.

پرسش راهبردی حاضر این است که نقش کارآفرینی به عنوان کیمیای تاب‌آوری چگونه با تلفیق سرمایه اجتماعی یکپارچه، همبستگی ملی و نوآوری، می‌تواند تهدیدهای ساختاری را به موتور محرک توسعه و بازسازی اقتصادی تبدیل نماید؟

همبستگی ملی و سرمایه اجتماعی

همبستگی ملی و سرمایه اجتماعی یکپارچه به مثابه ضربه‌گیر اقتصادی از منظر اقتصاد نهادگرا، در مقاطع پسابحران، نهادهای غیررسمی مانند «سرمایه اجتماعی» نقشی حیاتی





علم‌ودانش يکے از مهم‌ترین مولفه‌های قدرت دردنیای امروزی

دکتر ابوالحسن مومن نژاد؛ دبیر اندیشگده حکمرانی و قانون‌گذاری استان کهگیلویه و بویراحمد



شعر معروف «توانا بود هر که دانا بود» حرف درستی است. «توانا بود هر که دانا بود»؛ دانش برای یک کشور توانایی می‌آورد، اقتدار می‌آورد. ما در بخش‌های مختلف علمی پیشرفتهایی کردیم که در اوّل انقلاب تصوّرش را هم نمی‌کردیم. ماها خودمان در میدانهای مقدّم انقلاب حضور داشتیم؛ اصلاً باورمان نمی‌آمد که ما در قضیّه‌ی انرژی هسته‌ای، در قضیّه‌ی نانو تکنولوژی، در قضیّه‌ی بیوتکنولوژی، در قضایای گوناگون پزشکی‌های پیچیده، عملهای جراحی بسیار دشوار، در قضیّه‌ی ناباروری، در قضیّه‌ی سلول‌های بنیادی و بخش‌های مهمّ علمی گوناگون، بتوانیم این جور پیشرفت بکنیم که بحمدالله پیشرفت کردیم؛ جوانهای ما همّت کردند، حرکت کردند، پیشرفت کردند». (۱۴۰۰/۱۱/۲۸)

واقعیت غیر قابل انکار این است که زورگویی و قلدری امروز آمریکا و غرب ریشه در علم و دانش دارد. (البته سوء استفاده از علم)

علم سلطان است یعنی قدرت و تسلط می‌آورد. علم باعث رشد تکنولوژی، ماهواره، سایبری، موشکی، پزشکی، هسته‌ای، امنیت، اقتصاد و ... می‌شود. بقیه حرفها تو خالی است. امروز ثابت شد که حقوق بین الملل، حقوق بشر، دموکراسی و ... حرف پوچ است و چماقی است در دست ظالمان برای چپاول ثروت ملل مستضعف و خفه کردن هرکسی که در برابر آنها قد علم کند. هر جا منافع خودشان اقتضا کند از ظالم حمایت می‌کنند (غزه، لبنان، افغانستان) و همه شعارهایشان را زیر پا می‌گذارند. ترامپ امروز پوچ بودن همه شعارهای فریبنده تمدن غرب را نمایان ساخت.

آمریکا به پشتوانه همین رشد علم و دانش، قدرت تکنولوژی، نظامی، موشکی و اقتصادی دارد و به هر کشوری که مقابلش بایستند زور می‌گوید. صدها پایگاه نظامی در سراسر دنیا و از جمله غرب آسیا دارد. به افغانستان و عراق حمله می‌کند و ...

دشمنی غرب و بویژه آمریکا با جمهوری اسلامی ایران ریشه در همین دارد که نمی‌خواهد ما قدرتمند شویم. دانشمندان بزرگ ما را ترور می‌کنند که جلورشد علمی و قدرتمند شدن ما را بگیرد.

جنگ امروز نبرد تمدنی است، نبرد هویتی است. یا باید قوی باشیم و روی پای خودمان بایستیم تا نتوانند به ما زور بگویند، یا وابسته و بی‌خاصیت و توسری خور! لذا نقش دانشگاه و اساتید در روشننگری مساله جایگاه

با اسلام و عرض تسلیت شهادت رهبر عزیز انقلاب اسلامی ایران، مدیران، فرماندهان، اساتید و دانشجویان، دانش آموزان و همه شهدای جنگ رمضان تاکنون

جنگ تحمیلی آمریکایی- صهیونیستی علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی و ملت بزرگ ایران از زوایای متعدد قابل بررسی است، از جمله:

- آشکار شدن چهره واقعی تمدن غربی و پوچ بودن شعارهایی مانند حقوق بشر و دموکراسی

- بی‌خاصیت بودن نهادها و سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل، سازمان بین‌المللی انرژی اتمی و ...

- ساختار محکم و قانونی نظام جمهوری اسلامی ایران و جایگاه ولایت فقیه در مدیریت جامعه

- قدرت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در برابر زورگویان عالم - نقش بی‌بدیل ملت شریف و همیشه در صحنه ایران اسلامی در خنثی‌سازی توطئه‌ها

- مستعمره بودن کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس به معنای واقعی و ...

اما در این نوشتار می‌خواهم به جایگاه رشد علمی و اهمیت دانش محوری در اقتدار کشور خودمان و ضرورت توجه مدیران به نخبگان و تقویت علم و دانش بپردازم.

لطفا در دو عبارت زیر تفکر و دقت بفرمایید:

«الْعِلْمُ سُلْطَانٌ مِّنْ وَجْدُهُ صَالٍ بِهِ وَمَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَيْلٌ عَلَيْهِ»: «علم و دانش، قدرتی است که هر کس آن را به دست آورد، با آن سلطنت می‌کند و هر کس آن را از دست بدهد، بر او سلطه پیدا می‌کند». (ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۱۹)

«الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ، الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَأَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ»

دانش بهتر از مال است، دانش تورا محافظت می‌کند و تو مال را محافظت می‌کنی. (نهج البلاغه حکمت ۱۴۷)

رهبر شهید انقلاب (ره) فرمودند:

«ما پیشرفتهای زیادی داشتیم، نمونه‌های متعددی داشتیم؛ یک قلم، پیشرفت علم است. ما در این سالهای بعد از انقلاب، از لحاظ پیشرفت علمی، از همه‌ی دنیا جلوتر بودیم. این قضاوت من نیست، قضاوت مراکز بین‌المللی است؛ یعنی سرعت ما و شتاب پیشرفت علمی ما چندین برابر متوسط جهان است که حالا بعضی گفته‌اند ده برابر، بعضی گفته‌اند سیزده برابر. خب علم خیلی مهم است: الْعِلْمُ سُلْطَانٌ؛ علم به معنای واقعی کلمه قدرت است. این

امروز جوان نخبه ما پهباد و موشک ساخته که هزار کیلومتر دورتر از مرزها، پیشرفته ترین هواپیما و ناوهای دشمن را مورد اصابت قرار داده مایه افتخار است و البته بیانگر ضرورت توجه بیش از پیش به حوزه علم و دانش می‌باشد.

لازم به ذکر است که غیر از مولفه علم و دانش، قدرت امروزی ما فاکتورهای دیگری هم دارد که ان شاء الله در فرصتی دیگر به تحلیل آنها خواهیم پرداخت، مانند جایگاه ولایت فقیه، ایثارگری قدرت نیروهای مسلح و قدرت مردمی ایران اسلامی و در این یادداشت صرفاً به اهمیت علم و جایگاه آن در دنیای امروز اشاره کردیم. خلاصه:

«الْعِلْمُ سُلْطَانٌ مِّنْ وَجْدُهُ صَالٍ بِهِ وَمَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَيْلٌ عَلَيْهِ»: «علم و دانش، قدرتی است که هر کس آن را به دست آورد، با آن سلطنت می‌کند و هر کس آن را از دست بدهد، بر او سلطه پیدا می‌کند».



درخواست آبادی و آزادی تخت جمشید از اسکندر زمان

حمید رضا مرادی ، مسئول امور کمیسیون ها مجمع مشورتی نظام مسائل استان هرمزگان



انرژی، دانشگاهی، مدارس، کتابخانه‌ها، پل‌ها، نیروهای امدادی و منازل و محل کار و کسب مردم را آماج حملات خود قرار می‌دهد تا نشان دهد که چه کلاه‌گشادی سرانهای گذاشته است که دلخوش به کمک کردن شمر به آنها بودند. آنهایی که از اسکندر خواستند تخت جمشید را آباد و آزاد کند.

هزینه‌سازش بیشتر است یا مقاومت

در طول تاریخ همیشه تمدن‌ها، ملت‌ها، سرزمین‌هایی بوده‌اند که بعزت اختلافات قومی، قبیله‌ای، سرزمینی، اقتصادی یا کشورگشایی با یکدیگر سال‌ها، دهه‌ها و حتی قرن‌ها جنگیده‌اند که تاریخ نمونه‌های فراوانی دارد. از جنگ‌های چین باستان یا نبردهای ایران و روم و جنگ‌های باستانی دیگر. کاری هم به چرایی اینگونه نزاع‌های خونین و طاقت‌فرسا، عوامل و چگونگی پدیدار شدن آنها و پیروزی یا شکست کدام

دندان‌شکن و استخوان‌خردکن سپاه و ارتش و بسیج، دشمنان را غافلگیر کرد. چرا که قرار بود طی یک عملیات برق‌آسا، تمیز، سریع و قاطع با اعلام پیروزی توسط ترامپ، کار جمهوری اسلامی به خیال باطل تمام شود. عدم تکمیل شدن پازل دشمن را به وحشت انداخت، طولانی شدن جنگ، منطقه‌ای شدن آن و خسارات نظامی و اقتصادی دشمنی که حساب خوب سرش می‌شود و اقتصادی به مقوله جنگ نگاه می‌کند، آنها را تا حدی از براندازی ناامید کرد که اعلام نمودند: همین که شخص اول مملکت شهید شده و شخص دیگری جایگزین شده، بمعنی تغییر حکومت است و ما از اول هم دنبال تغییر حکومت نبودیم و بزودی به پیروزی نزدیک هستیم و هی نزدیک‌تر می‌شویم. در حالیکه از تمام اهداف پیش‌بینی و طراحی شده خود دور شده است. تخریب زیرساخت‌های



آنهايي که از اسکندر خواستند تخت جمشید را آباد و آزاد کند. سخنی با آنها که به وعده‌های ترامپ و نتانیاهو دلخوش بودند: دشمنی آمریکا و رژیم صهیونیستی با ایران به پیروزی انقلاب اسلامی و قطع رابطه با این دو رژیم جنایتکار برمی‌گردد. از آنجا که مردمی انقلابی تحت فرمان ولی فقیه زمان، حضرت امام خمینی (ره)، برای استقلال و آزادی و عدم وابستگی به شرق و غرب، با هدف پیاده کردن اسلام ناب محمدی (ص) در کشوری که متحد اصلی آمریکا و رژیم صهیونیستی بوده، روی کار آمده بود و سیاست‌هایی کاملاً متفاوت با رژیم قبلی را دنبال می‌نمود، این دشمنی‌ها در تجاوز رژیم بعث به ایران و بعد از آن همچنان نیز ادامه داشت. تصویب و اعمال بی‌رحمانه‌ترین تحریم‌های اقتصادی برای به زانو درآوردن این ملت، تا ترور دانشمندان هسته‌ای، خرابکاری‌های داخلی برای جلوگیری از دستیابی دانشمندان جوان ایرانی به دانشی که صدها استفاده علمی، پزشکی، اقتصادی و کشاورزی داشت و تنها به نظامی مرتبط نبود، اما پس از اعتراضات معیشتی عده‌ای از مردم برای اعتراض به وضعیت معیشتی.

آمریکا و اسرائیل با همراهی چندین کشور منطقه که هزینه شبکه‌های معاند و سخن‌پراکن را پرداخت می‌کردند، برموج اعتراضات سوار شده و با کشته‌سازی و ایجاد جو مسموم علیه نیروهای مدافع وطن و مقامات کشوری و لشکری، موقعیت را برای انجام یک کودتا مناسب دیده بودند و دستگاه‌های اطلاعاتی نیز، برآوردی نزدیک به ضعف داخلی و براندازی داشتند. و با ایجاد مظلوم‌نمایی به بهانه آزادسازی ایرانیان در دونوبت به کشورمان حمله‌ور شدند، به گمان اینکه با طراحی یک نقشه که مولای درزش نمی‌رود، مثل یک پازل مرحله به مرحله، سیاست براندازی را با حمله به دوهزار بانک، هدف از سران کشور سیاسی تا نظامی را پیاده نمودند و با شهادت ولی امر مسلمین جهان، امام شهید سید علی خامنه‌ای (ره) و مقامات دیگر، به خیال اینکه طی حداکثر سه روز با حضور ناراضیان و اغتشاشگران هدایت‌شده و مسلح، کار نظام را یکسره کنند. اما آنها نمی‌دانستند که شهید سید علی خامنه‌ای از سید علی خامنه‌ای بسیار قدرتمندتر است و حضور مردمی مبعوث‌شده که روز و شب خیابان‌ها و میادین را رها نکردند، به همراه پاسخ

طرف مخاصمه نداریم. اما همیشه یک چیز بعنوان اصل پذیرفته جهانی است که این نبردها در صورتی که یکطرف درگیری خواسته کوتاه بیاید یا به اصطلاح معامله یا صلحی کند که از موضع ضعف هر کدام از طرفین بوده، طرف سازشکار بکلی نابود شده و هستی و سرزمین و تمدن‌اش را از دست داده است. نمونه‌های فراوان تاریخی نشان می‌دهد حتی یک طرف درگیری که شاید توان و نیروی کمتری هم داشته، در صورت مقاومت و استفاده از فنون جدید، صحنه نبرد را به نفع خود تغییر داده و حتی پیروز نبرد شده است. در دوران معاصر، نبرد ویتنام که ایالات متحده با هدف مقابله با کمونیسم به این کشور حمله نظامی کرد و در نهایت خفت و خواری و شکست عقب‌نشینی نمود، یا مقاومت حزب‌الله لبنان در برابر ارتش صهیونیستی و پیروزی ایران در جنگ‌های اول و دوم تحمیلی، نمونه بارز این گونه نبردها است. البته سرمداران سازشکار کشورها که همیشه برای قالب کردن سیاست ننگین خود رنگ و لعاب مردم‌پسندی تحت عناوین دهان‌پرکن و عوام‌فریب، بردبرد یا سود برابر به خورد مردم داده‌اند، قطعاً خودشان نیز می‌دانند که سازش و معامله با دشمن یعنی افتادن در دام او و سپس نابودی کامل. ولی برای منطقی و مردمی نشان دادن اینگونه خیانت‌ها، گاهی به ساختن واژه‌های جدید روی آورده و سعی دارند عمل خود را مشروع و مردمی نشان دهند. دشمن که در میدان مبارزه با نیروی مقابل در تحلیل‌های میدانی و شناختی دچار اشتباه راهبردی شده بود و خواسته‌های خود را دست‌نیافتنی و دور از دسترس می‌بیند، آنچه را که در میدان نبرد به دست نیاورده است، در صحنه دیپلماسی از طریق معامله همراه با تهدید و در اصطلاح سیاست هویج و چماق می‌خواهد به دست آورد. از یک طرف تهدید می‌کند تا بتواند امتیازهای بیشتری بگیرد، ولی عادت قدیمی و وحوش است که اگر بترسید و عقب‌نشینی کنید، شما را دنبال می‌کنند، ولی اگر بایستید و مقابله مقاومت کنید، کوتاه می‌آید و عقب می‌نشیند. هزینه سازش بسیار خسارت‌بار است، حتی ممکن است به نابودی یک تمدن بینجامد، ولی مقاومت هیچ‌وقت به نابودی منجر نمی‌شود. حتی قدرتهای نوظهور ممکن است ازل یک مقاومت بیرون بزنند، نمونه بارز آن ایران خودمان.



انديشگده‌های حکمرانی و قانون گذاری استانی



حراه‌کمران

روزنامه الکترونیکی
@HOKMRAH
شماره ۲۶

انديشگده‌های حکمرانی و قانون گذاری استانی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی

روزنامه الکترونیکی
انديشگده‌های حکمران
و قانون گذاری استانی
مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی
شماره ۲۶

@HOKMRAH



مقاومت، فراتر از جنگ و دردل زیست ما جاری است و کلید پیروزی در برابر دشمن است

حسین صفریگی، استاد دانشگاه و تحلیلگر مسائل اجتماعی



درهنگامی که جهانیان در کوران تحولات شتابان سیاسی، اقتصادی و فرهنگی قرار دارند، مفهوم «مقاومت» از قید و بندهای صرفاً نظامی رها شده و به اصلی بنیادین در تار و پود هویت ملت ها تبدیل گشته است. ملت ایران، که در هزاره های تاریخ خویش بارها طعم تلخ تجاوز و فشارهای استعماری را چشیده، امروز در مواجهه با چالش هایی پیچیده تر اما نه کمتر زیان بار، نیازمند درک عمیق تر از چیستی و چرایی «مقاومت» است. چرا که مقاومت، امروز تنها در سنگر جنگ خلاصه نمی شود، بلکه زیست ماست، سبک زندگی ما و روح جاری در کالبد جامعه ی ماست.

تجربه ی تاریخی ثابت کرده است که مقاومت، بزرگتر از جنگ است. جنگ، اگرچه اوچ رویارویی فیزیکی با دشمن است، اما نقطه ی آغاز و پایان مقاومت نیست، بلکه خود بخشی از آن است. مقاومت واقعی، آن استقامت ژرفی است که پس از فروکش کردن گرد و غبار میدان نبرد، در کوچه پس کوچه های شهر، در لابه لای مشکلات اقتصادی، و در عمق اندیشه ی تک تک آحاد جامعه ادامه می یابد. فردای جنگ، روزی است

که ملت ها به مقاومتی اصیل تر، پایدارتر و عمیق تر از خود جنگیدن نیاز دارند. این همان مقاومتی است که در برابر فتنه های اقتصادی، هجوم رسانه ای، و فرسایش روانی، جامعه را سرپا نگه می دارد و امید به آینده را زنده می سازد.

مقاومت، صرفاً «جنگیدن» نیست؛ بلکه زیستن آگاهانه در برابر آنانی است که می خواهند هستی ما را، هویت ما را، و اراده ی ما را مصادره کنند. این بدان معناست که مقاومت، در هر لحظه از زندگی، در تصمیمات روزمره ی ما، در انتخاب هایمان، و در نحوه ی مواجهه مان با سختی ها جاری است. از این رو، مقاومت به «سبک زندگی» بدل می شود؛ آن گاه که خانواده ی در برابر فشار تورم، با تدبیر و قناعت، چرخ زندگی را می چرخاند، یا دانشجویی در اوچ تحریم های علمی، با تلاش مضاعف، مسیر دانش را می پیماید. این ها همه، تجلیات مقاومتی هستند که از سطح یک واکنش سیاسی، به سطحی وجودی و هویتی ارتقا یافته است.

روح مقاومت، همان عزمی است که ملتی را در برابر طوفان ها استوار

می دارد. این روح، در کالبد «حضور مردم در کف خیابان»، در «تحمل فشار اقتصادی»، و در «ایستادگی در برابر جنگ شناختی و رسانه ای» امروز، متجلی گشته است. درک این نکته، حیاتی است که دشمن امروز، بیش از آنکه با سلاح گرم، اندیشه ها و باورهای ما را هدف گرفته است. جنگ شناختی، تلاشی است برای ربودن «چراغ عقل» و «چراغ امید» از ملت ها. در این عرصه، هرایرانی که با بصیرت، حقیقت را از روایت دروغین دشمن تمییز می دهد، و در برابر ناامیدی القا شده مقاومت می کند، در حال انجام مقدس ترین اعمال مقاومت است. این ایستادگی مردمی است که باعث «مبعوث شدن مقاومت» می شود؛ یعنی مقاومتی که از دل درد، شعار، به استقامت زیسته، بدل می گردد.

در روزگار معاصر، اهمیت این «زیست مقاوم» دوچندان می شود. هنگامی که دشمن، حیات اقتصادی و روانی یک ملت را نشانه می گیرد، تنها مردمی که «مقاومت» را نه به عنوان یک تاکتیک کوتاه مدت، بلکه به عنوان «فلسفه ی بقا» پذیرفته اند، می توانند سربلند بیرون آیند. این مقاومت، به معنای

پذیرش رنج نیست، بلکه به معنای تبدیل رنج به «فرصت رشد» و «انگیزه برای نوآوری» است. این است که چرا مقاومت امروز مردم، فراتر از خود جنگ، مهم تر و مقدس تر است؛ زیرا این مقاومت است که آینده ی یک ملت را در برابر اراده ی بیگانه بیمه می کند. در این بزرگوار تاریخی، چشم تمام آزادگان جهان، قلب تمام فطرت های بیدار، و فریاد استغاثه ی تمام مستضعفان عالم، بر ملت ایران دوخته شده است. آنان چشم به راه استقامت شمایند، امید به تاب آوری شما بسته اند، و در انتظار تجلی اراده ی پولادین شما نشسته اند. مقاومت، امروز از مرزهای یک ملت فراتر رفته و به پژواک امید در دل آزادگان سراسر گیتی بدل گشته است. بدانید که این مقاومت، عظیم تر از هر نبرد زمینی است؛ چرا که عرصه آن، دل هاست و سلاحش، اراده. فردای جنگ، عرصه ی نیاز ما به مقاومتی ژرف تر خواهد بود؛ مقاومتی که از رنج ها، سرمایه ی رشد می سازد و از سختی ها، پل پیروزی. و خداوند، آنگاه که ملت ایران را در این مسیر پرفراز و نشیب، مبعوث به اراده و استقامت فرماید، اوچ نصرت را نمایان خواهد ساخت.